



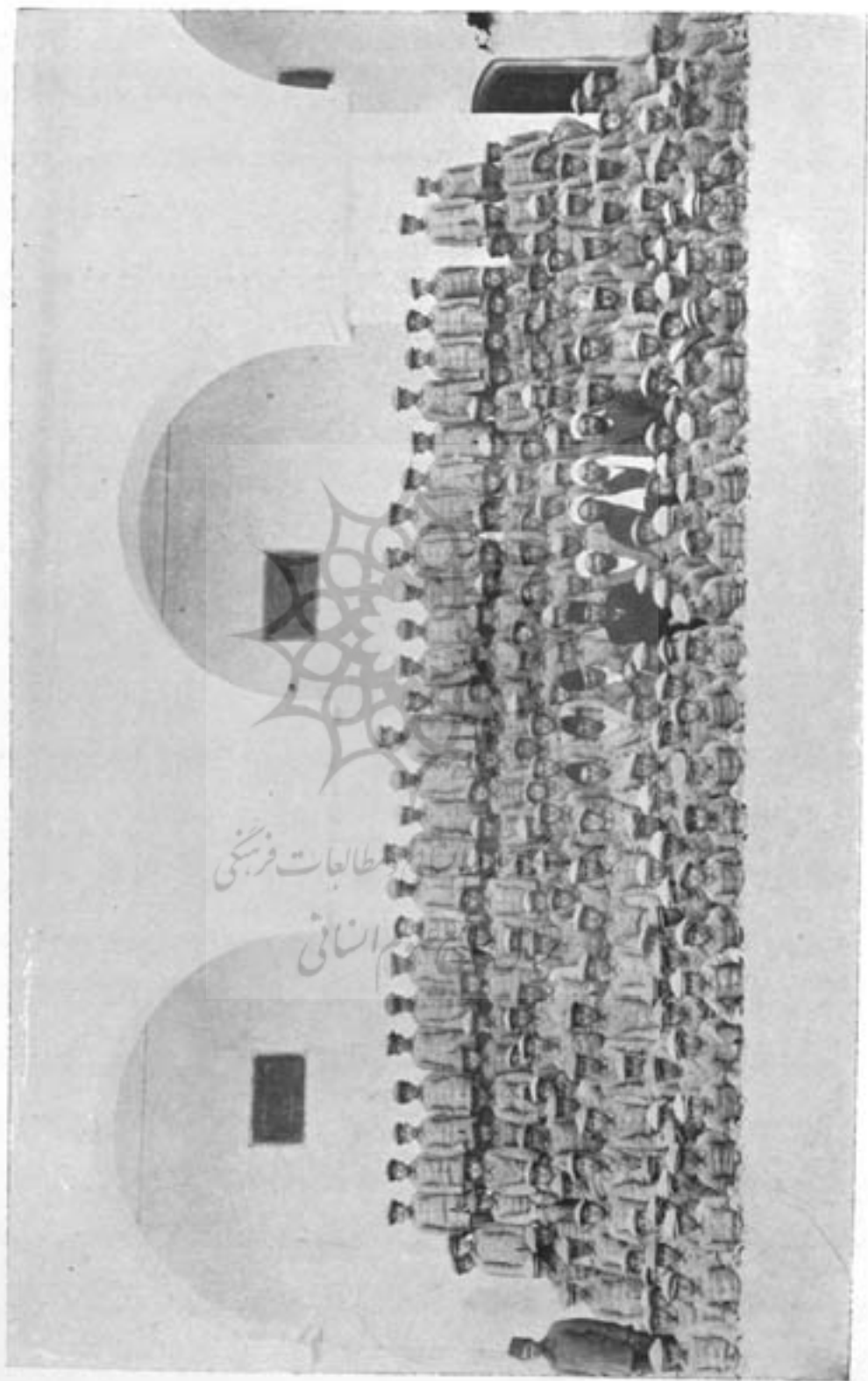
اثر تربیت مادر بر طفل

نگارش محترم محمد نبی خان عضو ریاست

سجده بیکه طفل یا بر صه وجود میگذارد از این چیز بیکه بچشم او جلوه میکند
شیای مادری است که بعد از آن شروع بشیر مکیدن می نماید شیر مادر قطع نظراً از
صفات مادی خویش صفات معنوی نیز مزوج میباشد یعنی شیر با حالات و کیفیات
روحی مادر که آیا مادرش مسرر است یا محزون، بشاش است یا افسرده، با اخلاق
حمید و متحلی است یا قنحلی است با اثر بینه صحیح مزین است یا 'زان عاری توام
میباشد و این حالت روحی مادر اگر چه در کیفیت و کمیت شیر اثر میداند از دمکر در
این حال با کوائف روحی مادر در عروق و شرابین و اعصاب و جلد و دماغ طفل
بیز تلقیح و ترکیب می یابد و با وجود بیکه احساسات طفل خیلی ناقص و از درك
و فهم اشیا 'ع' جز میباشد با زهم طبعاً معنویات مادر آهسته آهسته بطفل منتقل
شدن میگیرد، بعد از چند ماه که خواص خمسه ظاهری طفل انکشاف نموده شروع
بعملیات می نماید یعنی اشخاص و اشیا را می شناسد و از بکد بگر تمیز میکند، صوت
و لحن خوش و ناموزون را سمع و از هم تفریق کرده میتواند، اشیا ی شیرین و بی
مزه را چشیده خوب و بد را از روی فرحت و ملال خاطر جدا ساخته میتواند اشیا
متنوع را لمس نموده با خذاشیا ی لطیف و خوشنمای میل میکند از شمومات خوب اظهار مسرت و از
شمیات ناآوارا بر از کدورت می نماید در بن وقت اولین چهره را که از دیگرها تمیز کرده میتواند
چهره با صفای مادر اوست که از و صالح خندان و شادان و از فراقش گریان و نالان
میگرد دو نخستین صوت شیرین او را از دیگرها فرق نموده بمحض استماع او ازش

فرحت و البساط می نماید چنان به آرایش دلباخته میگردد که بمحض شنیدن لئوی با آهنگ او غرق گرداب خواب راحت میگردد در آنحضه مادر چنان به دماغش محفوظ مینماید که اگر با فرض بی صدا کسی او را در آغوش خویش کشد اظهار بیقراری و نا آرامی نمیکند، بر هزاران لذت و اطعمه توانا چون شیر مادر خود را ترجیح میدهد راحت و آرامی خود را در آغوش بانفقت مادر خویش می یابد.

بعد از آنکه قوای شعور و ادراک و عقل طفل نشو و نما می یابد و قابل اخذ حالات روحی میگردد معنویات طفل بمنزله لوحه باصفای میشود که قابل ارتسام هرگونه صفات و اخلاق میباشد چنانچه يك فلاسفه میگوید قلب يك طفل لوحه ایست که در آن تجربیات تحت تربیت مادر نقش میگردد تربیت خراب يك مادر جاهل بر لوحه قلب صاف او چنان نقوش مرتسم می نماید که حیات آینده آنرا بر باد می سازد و بالعکس تربیت تحت اثر يك مادر دور اندیش چنان سطور طلائی بر لوحه قلبش نقش میکند که نام او را تا ابد بر صفحات تاریخ روشن میسازد، فطرتاً طفل شخصی را که بسیار عزیز و دوست دارد و اثر او با او معیت داشته می باشد افعال و اعمالش را پیروی میکند چون به نزد طفل هیچ کس از مادرش عزیزتر نیست و همیشه به صحبت او محظوظ میباشد طبعاً جمیع حرکات خود را موقوف بر اوضاع مادر خود میداند. مادر طفل اگر لطیف بوده سترگی را دوست میدارد عادت نظافت و نفاست در طفل نفوذ میکند و طبعاً آینده دارای نظافت و صفائی میباشد بر گفتار مادر همیشه گوش می نهد بر سلیقه و طرز مکالمه مادر خوب متوجه بوده بهمان نوع مکالمه عادت میگیرد. آداب خوردن را از مادر عزیز خود می آموزد و چنانکه مادرش اصول دارد همانطور طفاش عمل میدارد مادرش اگر جدی و فعال است طفل جدیدت و فعالیت را از مادر خود آخذ میکند و اگر سست و کاهل است طفاش نیز بر کاهلی و تنبلی عادت میگیرد. تمام ملکات و صفات حسنه را از قبیل شجاعت، صداقت، دیانت، غیرت، استقامت و بالجمله محبت بدین، بوطن و خدمت بوطن را از آغوش مادر خویش استفاضه می نماید. و بالعکس تمام عادات و اطوار خصائص ذنات را هم طوریکه مادرش تربیه میکند و از دعائم مذکور



طالعات فرہنگی
انسانی

طلبای مکتب تا شقر غان متعلق شما ردہ ۹ سال ۵ - آئینہ (بعکاسی عبدالحکیم خان)



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی

جلوگیری ننماید و اثر بصورت غیر مستقیم از مادر خود اخذ میکند .
 طفل اوضاع و عادات اطراف خود در اقلب خود منعکس میسازد بی آنکه تحقیق با تدقیق کند که او ضاع و عادات نواح آن مفید است یا مضر . خوب است یابد - مادر را با حرکات و عادات طفل خود در همیشه مراقبت میکند و شیشه صاف قلب او را چنان محفوظ میدارد که مذمومات و مطرودات در آن انعکاس ننماید و زنگ و گرد و غبار خیالات و افکار فاسده و کاسده در آن تمرکز نگردد و المر تصادفا کدام قصور در آن جایگیرد فوراً به ادویه نصائح و مواعظ و تنبیهاات آنرا شسته ازاله می نماید .

طفل اگر بر صفات حسنه و اطوار ستوده و عادات عالیه مزین گشته دارای تربیه صحیح گردد سبب آبادی و بهبودی جامعه میگردد - و اگر بر عادات رذیله و خسیسه و اوضاع سیه متعود گردد باعث تباهی و بربادی بکاملت می شود چنانچه گفته اند: مادر بکه طفل خود را در آواره می جنباند گو یابک عالم را بدست خود حرکت میدهد بر مقدرات خود طفل و یک حصه جامعه بدست همین طفل است .

همین مادرانند که مقدرات آینده صبی اولاد را بدست خویش دارند اگر در حین ایام رضاعت وقت شیر دادن و خواب طفل را معین نمودند و اسباب اجتراحت او را همیشه مهیا داشته او را نظیف و پاک نگاه میدارند البته صحت آن خوب و اگر در تنظیم اوقات شیر خوارگی و خواب طفل بی مبالائی نمودند طفلشان نحیف و لاغر و مریض میباشد . اگر در حفظ و صفا نگه داشتن دندان شیرخوارگی طفل عطف توجه نمودند دندانهاییکه بر اساس دندان شیری طفل میرود نیز محکم و ثابت و باثربیت نمود میکنند یعنی دندانهای شخص که یگانه نامل جویدن غذا بوده و اثر مهم بهضم غذا و صحت انسان داشته میباشد اگر خوب و صحیح باشد مروهون احسان و الهامش میباشد و بالعکس اگر خراب و کثیف باشد مادرش مدبرون طفل خود میباشد همچنین صحت و سلامت سایر اعضا از قبیل چشم گوش ! جلد مربوط بمساعی او توجه مادران است

بعد از زمان رضاعت هم اگر بغذاهای مناسب صحت و بازیهای تریبوی و صفائی بدن و لباس و خواب و وقت معین طفل را عادت دادند البته طفل نموی طبیعی و صحتی خود را با کمال رسانیده با حیات صحت مندانه زیست می نماید - بر اساس همین حیات طفلی است که حیات آئینده شخص تعمیر میگرد و موسس اصلی این اساس مادر است - اگر حیات طفلی مبنی بر قواعد صحیح بنیافته باشد تناسب اجزای بدن طفل صحیح مانده تا آخر عمر قوای بدنیش شخص استوار و پابدار می ماند همچنین اگر اساس حالات روحی و قوای معنوی طفل مبنی بر قواعد علم و حیات نهاده شود تماماً معنویات طفل بر همان اساس تنمیه و تقویه یافته بک شخص برجسته در دنیا ظاهر گردیده مقام منبع را برای خدمت بشری احراز میکند، تمام اشخاص بزرگ مانند نیپولین، اسکندر و غیره مادرهای عاقل داشتند که در دنیا مسعود گردیدند مادرهای آنها با آنها تعلیم داد که چطور آنها برای وطن خود را فدا سازند و چگونه ملل را رهبری کنند و چه نوع بهادر و شجاع و صاحبان عزم و اداره باشند و چگونه اسباب و وسائل حیات مقدسانه خود را تهیه نمایند حقیقتاً همان مادرهای شاندار آنها بوده که پسرهای خود را بمدارج کمال رسانیدند و اگر آنها تحت تربیت و مراقبت چنین مادرهای بزرگ خود در رشد نمی یافتند گاهی مقامات رفیع کامیابیها را نمی دیدند. از نیپولین پریشان شدیم که فرانس اولاً آنچه چیزها محتاج تر است گفت فرانس اولاً بهادرهای دانا باشد احتیاج دارد.

غازی مصطفی آنال انا که امر و زبکانه سبب احیای دوباره و ترقی و تعالی ملت نجیب ترک گردیده اکثر میگوید. خوبیهای که بمن اعطا شده است از توجه و برکت مادر عزیز من بوده. پس در دنیا بیک شخص که تماماً قوای بدنیش و صحتی او مکمل و با صفات کامله انسانیته آراسته و پیراسته باشد از فیض آغوش مادر مبارکش میباید و بالعکس اگر قوای بدنیش و صحتی او نامکمل و از صفات انسانیته بهره نداشته باشد از عدم قابلیت و بی تربیتی مادر بدبختش میباید پس مادرها

را لازم است که اهلیت تربیه مادی و معنوی طفل را پیدا کنند تا همیشه نام نیک شان یادگار ما ندهد. عمره شیرین حیات اطفال خود را ملذذ و فرزندانشان خود را مروهون و ممنون احسان خود سازند.

ما درها که وظیفه تربیه صحیح اطفال را ایفا و انجام داشته برای مریدان ما بعد می سپارند برای آنها خیلی تسهیلات بهم می رسا نند زیرا آنها بدون تکلیف اصلاح تربیه ماضی آن در تربیه آن کوشیده ممکن است از بن اقدام طرفین یکی بر اساس دیگر طفل دارای کمالات عالییه گردد و اگر در تربیه صحیح اطفال فرو گذاشت نمودند برای مریدان دیگر خیلی تکالیف را عائد می سازند، زیرا اولاً مریدان موصوفه لواقص تربیه را که از مادر آموخته آنرا اصلاح و رفع سازند و پس بتربیه حقیقی آن اقدام کنند درین صورت احتمال است که تربیه نالوی بحال طفل مفید واقع شده آنرا بیک شخص با کمال سازد اما بهیچ صورت مساوی شخصیکه تربیه ارلی و اساسی اش صحیح است شده نمیتواند و بسا ممکن است که چون تربیه نالوی با ارلی بدانیت دارد تربیه نالوی بحال طفل موثر واقع نشده اثر بد بخشد چنانچه وارد شده که اگر شهابش بود که کوه از جای خود حرکت و بد بگر جالقل نموده است باور کنید و اگر بگویند که فلان شخص از اخلاق بد خود بازگشته یقین نهائیدیش بشود و بتصورت زبال افعلایک در آبنده از بنقسم اطفال صادر میگردد خواه برای شخص او محدود باشد یا بر یک جامعه سرایت کند بر گردن مادر بد بختش میباشد و ضرور است که عمرات تلخ آنرا بچشد از بنجا است که در شریعت مطهره اسلام گذاهیکه طفل قبل از ایام بلوغ می نماید مسئول او و الد بنش میباشد.

